

مجموعه گزارش‌های شناسایی مانع توسعه اقتصادی ایران

مانع شماره ۹: دادرسی تجاری طولانی؛ حق دیررس، حق ازدست‌رفته

بررسی آثار اقتصادی اطاله رسیدگی به دعاوی تجاری، خواب سرمایه بنگاه‌ها و ضرورت توسعه رسیدگی تخصصی، داوری مؤثر و جبران واقعی خسارت تأخیر

۱- صورت مسئله: بنگاه رأی می‌گیرد، اما ممکن است دیگر کسب‌وکاری باقی نمانده باشد

قرارداد اقتصادی فقط زمانی قابل اتکاست که در صورت نقض، امکان احقاق حق در زمانی متناسب با نیاز فعالیت اقتصادی وجود داشته باشد. اگر وصول یک طلب، الزام طرف مقابل به اجرای تعهد یا جبران خسارت چند سال طول بکشد، حتی صدور رأی نهایی به نفع بنگاه نیز ممکن است دیگر ارزش اقتصادی اولیه را نداشته باشد.

فرض کنیم یک واحد تولیدی کالا یا خدمتی را تحویل داده، اما طرف قرارداد مبلغ آن را پرداخت نکرده است. این طلب در دفاتر بنگاه ثبت شده، اما در عمل بخشی از سرمایه در گردش آن است که از دسترس خارج شده است. بنگاه نمی‌تواند با طلب ثبت‌شده مواد اولیه بخرد، حقوق کارکنان را پرداخت کند یا سفارش جدید بپذیرد.

اگر رسیدگی طولانی شود، بنگاه برای ادامه فعالیت ممکن است وام بگیرد، دارایی بفروشد، خرید مواد اولیه را کاهش دهد یا تولید را محدود کند. ممکن است شرکت پیش از صدور رأی با کمبود نقدینگی، بدهی بانکی یا تعطیلی روبه‌رو شود. در این حالت، رأی نهایی از نظر حقوقی معتبر است، اما دیگر نمی‌تواند فرصت‌های اقتصادی ازدست‌رفته را بازگرداند.

تورم نیز آثار تأخیر را تشدید می‌کند. مبلغی که در زمان انعقاد قرارداد می‌توانست مواد اولیه یک دوره تولید را تأمین کند، چند سال بعد ممکن است فقط برای خرید بخشی از همان مواد کافی باشد. حتی اگر خسارت تأخیر محاسبه شود، لزوماً افزایش هزینه تأمین مالی، توقف تولید، ازدست‌رفتن مشتری و کاهش ظرفیت بنگاه را جبران نمی‌کند.

طولانی‌شدن رسیدگی از سوی دیگر، بدعهدی را کم‌هزینه می‌کند. بدهکار می‌تواند تا زمان صدور و اجرای رأی از منابع طرف مقابل استفاده کند، درحالی‌که طلبکار باید هزینه کمبود نقدینگی را بپردازد. هرچه فاصله میان ایجاد حق و اجرای آن بیشتر شود، انگیزه تأخیر در پرداخت نیز افزایش می‌یابد.

مسئله فقط دیر صادر شدن رأی نیست؛ مسئله آن است که زمان می‌تواند ارزش اقتصادی موضوع رأی را از بین ببرد.

۲- دادرسی تجاری چرا طولانی می‌شود؟

اطاله دادرسی تجاری معمولاً نتیجه یک عامل واحد نیست و از مجموعه‌ای از مراحل، تشریفات و ناهماهنگی‌ها شکل می‌گیرد.

نخستین عامل، تخصیص نبودن بخشی از رسیدگی‌هاست. اختلافات تجاری ممکن است به صورت‌های مالی، اعتبار اسنادی، قراردادهای پیمانکاری، کیفیت کالا، تعهدات زنجیره تأمین یا نحوه محاسبه خسارت مربوط باشند. رسیدگی به این موضوعات علاوه بر دانش حقوقی، به شناخت قرارداد و فعالیت اقتصادی نیاز دارد. نبود تخصص کافی می‌تواند به ارجاع‌های مکرر کارشناسی و طولانی شدن رسیدگی منجر شود.

عامل دوم، تعدد مراحل است. ثبت دادخواست، ابلاغ، تشکیل جلسه، ارجاع به کارشناس، اعتراض به نظریه کارشناسی، تجدیدنظر و اجرای حکم، هر کدام می‌تواند زمان جداگانه‌ای به پرونده اضافه کند. توقف کوتاه در هر مرحله، در مجموع به تأخیری طولانی تبدیل می‌شود.

عامل سوم، دشواری اجرای رأی است. صدور حکم پایان اختلاف اقتصادی نیست. تا زمانی که طلب وصول یا تعهد اجرا نشود، حق بنگاه به جریان نقدی تبدیل نشده است. بدهکار ممکن است در فاصله رسیدگی، دارایی خود را منتقل کند یا ساختار فعالیتش را تغییر دهد و اجرای حکم را دشوار سازد.

عامل چهارم، امکان استفاده ابزاری از تشریفات است. درخواست‌های مکرر کارشناسی، اعتراض‌های کم‌اثر، تغییر نشانی، طرح دعاوی موازی یا استفاده کامل از مهلت‌ها می‌تواند برای عقب‌انداختن پرداخت به کار رود. وقتی منفعت نگهداری پول بیشتر از هزینه تأخیر باشد، طولانی کردن پرونده از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر می‌شود.

عامل پنجم، ضعف سازوکارهای جایگزین حل اختلاف است. داوری زمانی می‌تواند سرعت رسیدگی را افزایش دهد که شرط داوری روشن، داور متخصص، مدت رسیدگی محدود و اجرای رأی قابل اطمینان باشد. شرط‌های مبهم یا اختلاف بر سر انتخاب داور ممکن است داوری را نیز به فرایندی طولانی تبدیل کند.

در گزارش «فضای کسب‌وکار ۲۰۱۷» بانک جهانی، مدت لازم برای طی مراحل اجرای یک قرارداد در یک پرونده تجاری استاندارد در ایران حدود ۵۰۵ روز برآورد شده است؛ شامل ۳۰ روز برای ثبت و ابلاغ، ۲۹۵ روز برای رسیدگی و صدور رأی و ۱۸۰ روز برای اجرای حکم. این رقم، برآوردی تاریخی بر مبنای یک پرونده

فرضی مشخص است و متوسط قطعی تمام دعاوی تجاری کشور محسوب نمی‌شود؛ باین حال، می‌توان از آن به عنوان مبنای اولیه برای طراحی سناریوهای احتمالی مدت توقف مطالبات استفاده کرد^۱.

۳- سناریوی سرمایه معطل در پرونده‌های تجاری

آمار عمومی دقیقی از مجموع ارزش مالی پرونده‌های تجاری باز وجود ندارد. باین حال، برای نشان دادن ابعاد احتمالی مانع می‌توان چند سناریوی تحلیلی طراحی کرد. در این سناریوها، سه متغیر در نظر گرفته می‌شود:

- ارزش مطالبات تجاری معطل؛
- متوسط مدت توقف تا وصول؛
- هزینه فرصت سالانه سرمایه در گردش.

منظور از هزینه فرصت آن است که اگر منابع در اختیار بنگاه باقی می‌ماند، می‌توانست برای خرید مواد اولیه، افزایش تولید، پرداخت بدهی یا پذیرش سفارش جدید استفاده شود. برای محاسبه نمونه، هزینه فرصت سالانه سرمایه ۳۵ درصد در نظر گرفته شده است. این نرخ نه یک رقم قطعی، بلکه فرضی تحلیلی برای نشان دادن بزرگی مسئله است.

جدول ۱- برآورد سناریویی هزینه فرصت مطالبات تجاری معطل

سناریو	مطالبات تجاری معطل	متوسط مدت توقف	هزینه فرصت تقریبی
محدود	۱۰۰ همت	۱.۵ سال	حدود ۵۷ همت
میانی	۲۵۰ همت	۲ سال	حدود ۲۰۶ همت
گسترده	۵۰۰ همت	۳ سال	حدود ۷۳۰ همت

این جدول نشان نمی‌دهد که اقتصاد ایران قطعاً چنین میزان زبانی متحمل شده است؛ بلکه نشان می‌دهد اگر حجم مطالبات و مدت رسیدگی در این حدود باشد، ارزش فرصت‌های ازدست‌رفته می‌تواند بسیار قابل توجه باشد.

برای مثال، در سناریوی میانی، ۲۵۰ همت از منابع بنگاه‌ها برای دو سال از چرخه فعالیت خارج می‌شود. علاوه بر اصل سرمایه معطل، حدود ۲۰۶ همت ظرفیت مالی بالقوه نیز از دست می‌رود؛ ظرفیتی که می‌توانست برای تولید، خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد یا توسعه فعالیت مورد استفاده قرار گیرد.

^۱ بانک جهانی، *Doing Business 2017: Economy Profile of Iran, Islamic Republic*، بخش Enforcing Contracts، ص ۸۵.

این برآورد هنوز همه آثار اقتصادی را دربر نمی‌گیرد. موارد زیر در محاسبه جدول منظور نشده‌اند:

- هزینه وکیل، کارشناسی و پیگیری پرونده؛
- سود و کارمزد منابع جایگزین؛
- کاهش تولید ناشی از کمبود نقدینگی؛
- ازدست‌رفتن سفارش‌ها و مشتریان؛
- تأخیر در پرداخت بدهی تأمین‌کنندگان؛
- تعطیلی یا کوچک‌شدن بنگاه؛
- اثر زنجیره‌ای عدم پرداخت بر سایر بنگاه‌ها.

همه مبلغ خواسته پرونده نیز الزاماً سرمایه خواب کرده نیست. ممکن است بخشی از خواسته مربوط به خسارت یا مبالغ مورد اختلاف باشد. بنابراین، سناریوها باید به‌عنوان تصویری از بزرگی احتمالی مسئله تفسیر شوند، نه برآورد قطعی زیان ملی.

برای دستیابی به برآورد دقیق‌تر، کافی است قوه قضائیه یا دادگستری استان اطلاعاتی مانند مبلغ خواسته، تاریخ ثبت پرونده، مرحله رسیدگی، تاریخ صدور رأی و زمان اجرای حکم را به‌صورت تجمیعی استخراج کند. با همین داده‌ها می‌توان «شاخص سرمایه معطل در دعاوی تجاری» را در سطح کشور و استان محاسبه کرد.

۴- دادرسی تجاری طولانی چگونه مانع توسعه می‌شود؟

اطاله رسیدگی از چند مسیر به مانع توسعه اقتصادی تبدیل می‌شود.

تخریب سرمایه در گردش: طلب وصول‌نشده، منابعی است که در حساب‌های بنگاه ثبت شده، اما برای خرید مواد اولیه، پرداخت حقوق و ادامه تولید قابل استفاده نیست.

کاهش ارزش واقعی طلب: در شرایط تورمی، مبلغ ثابت با گذشت زمان قدرت خرید خود را از دست می‌دهد. دریافت اصل طلب در پایان رسیدگی لزوماً بنگاه را به موقعیت اقتصادی زمان قرارداد باز نمی‌گرداند.

افزایش هزینه تأمین مالی: بنگاه برای جایگزینی طلب معطل ممکن است وام بگیرد یا از منابع غیررسمی استفاده کند. در نتیجه، طلبکار علاوه بر محرومیت از پول خود، هزینه تأمین مالی جایگزین را نیز می‌پردازد. تشویق بدعهدی: اگر هزینه تأخیر کمتر از منفعت استفاده از پول باشد، بدهکار انگیزه پیدا می‌کند پرداخت را تا زمان اجرای حکم عقب بیندازد.

افزایش قیمت معاملات: بنگاه‌ها برای پوشش ریسک وصول، قیمت را افزایش می‌دهند، پیش‌پرداخت بیشتری مطالبه می‌کنند یا تضمین‌های سنگین‌تری می‌گیرند. هزینه ضعف اجرای قرارداد در نهایت به کل بازار منتقل می‌شود.

کاهش معاملات اعتباری: وقتی فروشنده به وصول سریع طلب اطمینان ندارد، فروش مدت‌دار و همکاری با مشتریان جدید را محدود می‌کند. این وضعیت گردش اعتبار تجاری میان بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد.

فشار بیشتر بر بنگاه‌های کوچک: شرکت بزرگ ممکن است بتواند چند سال منتظر وصول طلب بماند، اما یک بنگاه کوچک ممکن است پیش از پایان رسیدگی تعطیل شود. بنابراین، تأخیر قضایی بر بنگاه‌های کوچک اثر شدیدتری دارد.

کاهش سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذار فقط متن قرارداد را بررسی نمی‌کند؛ بلکه می‌سنجد در صورت نقض قرارداد، حق او با چه سرعت و هزینه‌ای قابل وصول است. طولانی‌بودن اجرای قرارداد، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.

در چنین شرایطی، رأی دیر هنگام ممکن است از نظر حقوقی صحیح، اما از نظر اقتصادی ناکافی باشد.

۵- دادگاه تخصصی، رسیدگی سریع و داوری چه چیزی را تغییر می‌دهند؟

کاهش زمان دادرسی تجاری به معنای حذف دقت یا محدود کردن حق دفاع نیست. هدف، حذف زمان‌های غیرضروری و متناسب کردن رسیدگی با سرعت فعالیت اقتصادی است.

شعب تخصصی تجاری می‌توانند با تمرکز پرونده‌ها نزد قضات آشنا با قراردادها، امور مالی، شرکت‌ها و رویه‌های تجاری، زمان تشخیص موضوع و نیاز به کارشناسی‌های تکراری را کاهش دهند.

رسیدگی سریع نیز می‌تواند برای دعاوی روشن و مستند طراحی شود؛ مانند مطالبه وجه مبتنی بر صورتحساب تأییدشده، سند تجاری، تحویل قطعی کالا یا تعهدی که اصل آن محل اختلاف جدی نیست. این دعاوی نباید الزاماً همان مسیر پرونده‌های پیچیده قراردادی را طی کنند.

داوری نیز برای قراردادهای تخصصی و پیچیده مناسب است، مشروط بر آنکه:

- شرط داوری از ابتدا روشن باشد؛
- شیوه انتخاب داور مشخص شود؛
- داور از تخصص مرتبط برخوردار باشد؛
- مدت رسیدگی محدود باشد؛
- هزینه داوری قابل پیش‌بینی باشد؛
- رأی صادرشده امکان اجرای مؤثر داشته باشد.

اقدامات تأمینی نیز اهمیت زیادی دارند. اگر احتمال انتقال دارایی یا از بین رفتن امکان اجرای رأی وجود داشته باشد، تصمیم موقت سریع می‌تواند مانع شود رأی نهایی به سندی غیرقابل اجرا تبدیل شود.

جبران خسارت تأخیر نیز باید تا حد امکان هزینه واقعی بدعهدی را به طرف متخلف منتقل کند. خسارت فقط کاهش ارزش پول نیست؛ بنگاه ممکن است برای جایگزینی طلب وام گرفته، تولید را کاهش داده یا یک فرصت تجاری مشخص را از دست داده باشد.

البته جبران خسارت باید بر معیارهای روشن و قابل اثبات استوار باشد تا خود به عامل افزایش اختلاف و طولانی شدن پرونده تبدیل نشود.

۶- نتیجه سیاستی: از صدور رأی به احیای ارزش اقتصادی حق

اصلاح دادرسی تجاری باید با این معیار سنجیده شود که بنگاه چه زمانی و با چه میزان از ارزش واقعی حق خود به منابش دسترسی پیدا می کند. صدور رأی بدون اجرای سریع و مؤثر، به تنهایی مسئله اقتصادی را حل نمی کند.

بر این اساس پیشنهاد می شود:

۱. شعب تخصصی تجاری و بانکی توسعه یابند. قضات، کارشناسان و کارکنان این شعب باید متناسب با موضوعات قراردادی، مالی و شرکتی آموزش ببینند.
۲. برای دعاوی تجاری روشن، مسیر رسیدگی سریع ایجاد شود. دعاوی مبتنی بر اسناد و تعهدات روشن، در مهلت های کوتاه تر و با تشریفات متناسب بررسی شوند.
۳. زمان هر مرحله از پرونده اندازه گیری شود. مدت ابلاغ، کارشناسی، رسیدگی بدوی، تجدیدنظر و اجرای حکم باید جداگانه ثبت شود تا محل اصلی توقف پرونده مشخص باشد.
۴. ارجاع های کارشناسی مدیریت شود. موضوع کارشناسی و مهلت ارائه نظر روشن باشد و اعتراض به کارشناسی فقط با ارائه دلیل مؤثر موجب تکرار فرایند شود.
۵. امکان حفظ دارایی تا زمان صدور رأی تقویت شود. در مواردی که خطر انتقال دارایی وجود دارد، اقدامات تأمینی سریع و متناسب در دسترس باشد.
۶. داوری تخصصی و سازمان یافته گسترش یابد. مراکز داوری و اتاق های بازرگانی می توانند شروط استاندارد، داوران تخصصی، زمان بندی مشخص و هزینه قابل پیش بینی ارائه کنند.
۷. خسارت تأخیر به زیان واقعی نزدیک تر شود. کاهش قدرت خرید، هزینه تأمین مالی جایگزین و خسارت مستقیم ناشی از محرومیت از سرمایه، با معیارهای روشن مورد توجه قرار گیرد.
۸. شاخص سرمایه معطل در دعاوی تجاری محاسبه شود. تعداد پرونده ها، مبلغ خواسته، متوسط عمر پرونده و مرحله رسیدگی به صورت تجمیعی منتشر شود.

۹. عملکرد دادرسی بر اساس اجرای حق سنجیده شود. متوسط زمان وصول محکوم به، درصد آرای اجرا شده و میزان حفظ ارزش واقعی طلب در کنار تعداد آرای صادر شده قرار گیرد. اصلاح دادرسی تجاری فقط اصلاح یک فرایند حقوقی نیست. هر مقدار کاهش در زمان وصول مطالبات می تواند بخشی از سرمایه بنگاه ها را بدون پرداخت تسهیلات جدید به چرخه تولید بازگرداند.

پیام اصلی

در اقتصاد، حق فقط رأی نهایی دادگاه نیست؛ امکان استفاده به موقع از نتیجه آن است. وقتی وصول طلب چند سال طول می کشد، سرمایه در گردش از دسترس بنگاه طلبکار خارج می شود و طرف بدعهد از زمان بهره می برد.

برآورد سناریویی نشان می دهد حتی اگر فقط چندصد همت مطالبه تجاری در پرونده ها معطل مانده باشد، هزینه فرصت آن می تواند به صدها همت برسد. این رقم، برآورد قطعی نیست؛ اما بزرگی مانعی را نشان می دهد که در آمار تعداد پرونده ها دیده نمی شود.

دادرسی تخصصی، رسیدگی سریع، داوری مؤثر و اجرای واقعی رأی می تواند منابع معطل را به چرخه تولید بازگرداند و هزینه بدعهدی را از طلبکار به طرف متخلف منتقل کند.